

وضعیت قراردادهای شرکت‌های سهامی در صورت تجاوز مدیرعامل از حدود اختیارات

احمد بیگی حبیب‌آبادی *

محمد بیگی حبیب‌آبادی **

مقدمه

از آنجا که شرکت‌های سهامی شخصیت اعتباری دارند، اعمال و اقدامات آنها در ارتباط با اشخاص ثالث توسط مدیران شرکت انجام می‌شود. یکی از مسائل مهم در ارتباط با این‌گونه شرکت‌ها، اهلیت آنها برای انجام اعمال حقوقی و به‌ویژه انعقاد قراردادها است. اهلیت شرکت‌های سهامی معمولاً در اساسنامه آن محدود می‌شود.^۱ اهلیت آنها ممکن است از دو جهت محدود شود؛ یکی محدودیت‌هایی است که قانون بر شرکت تحمیل می‌کند^۲ و دیگری محدودیت‌های عارضی است که شرکت در اساسنامه برای خود قائل می‌شود^۳، گرچه از لحاظ قانونی چنین محدودیت‌های برای آن وجود ندارد.^۴ همچنین، از آنجا که عملاً مدیرعامل نماینده شرکت بوده و نقش اساسی در انعقاد قراردادها و ارتباط با اشخاص ثالث دارد، ممکن است هیأت

* دکتری حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه.

beygiah@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.

1. Len Sealy and Sarah Worthington, Cases and Materials in Company, Oxford University Press, New York, US, 2008, p 97.

۲. ماده ۱۱۸ - جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون آخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم‌یکن است.

3. Artificial limitations.

4. Len Sealy and Sarah Worthington, op.cit, p 101.

مدیره اختیارات او را محدود نماید.^۱ این محدودیت باید پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.^۲

اختیارات مدیرعامل ممکن است از جهات مختلف، مثل اخذ وام تا سقف معین و موکول بودن فروش اموال غیرمنقول شرکت به تصویب مجمع عمومی یا لزوم امضای یکی از اعضای هیأت مدیره در کنار امضا مدیرعامل، محدود شود. سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌گردد آن است که وضعیت اعمال حقوقی شرکت در صورت تخطی مدیران از حدود اختیارات چیست؟

در این ارتباط رویه قضایی و دکترین نظریه واحدی ندارند. در این مقاله ابتدا متن رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه عمومی تهران که در ارتباط با اقدامات خارج از اختیار مدیران شرکت‌های سهامی است، نقل می‌شود و سپس با هدف تحلیل رأی، اثر اقدامات خارج از حدود اختیارات مدیران و به‌ویژه مدیرعامل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در رابطه با رأی صادره تذکر این نکته لازم است که رأی مورد اشاره دارای اشتباهات تایپی بوده و اشکالات آن تا حد امکان برطرف گردیده است. ضمناً رأی دادگاه تجدیدنظر در دسترس نیست تا نسبت به آن اظهار نظری گردد. رأی صادره به شرح زیر می‌باشد:

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۸۶۰۰۲۷۸

کلاس پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۲۸۶۰۰۲۷۸

خواهان: خانم ش.الف.

خوانده: بیمارستان الف.

خواسته: مطالبه بهای دستگاه

مرجع رسیدگی: شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران

۱. ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.
۲. ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت‌جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۱۱۸ چنین رأی داده است:

با نگرش به کلیه اوراق پرونده و رسیدگی‌های به عمل آمده دعوی اقامه شده وکیل خواهان مبنی بر مطالبه‌های *eeg* به مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال با احتساب خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه مالا وارد و به عقیده دادگاه متکی به دلیل قانونی می‌باشد زیرا، مطابق ماده ۱۱۸ از قانون تجارت جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم‌یکن است و برابر ماده ۱۲۵ از همان قانون مدیرعامل شرکت نماینده شرکت محسوب و حق امضا دارد. به صراحت ماده ۱۳۵ همین قانون کلیه اقدامات و اعمال مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. مستفاد از مواد استنادی در کمال وضوح این است که مدیران نماینده و وکیل شرکت می‌باشند و اقدامات آنها در مقابل اشخاص ثالث نافذ است و محدود کردن اختیارات آنان در اساسنامه یا در صورت‌جلسات تأثیری در حقوق اشخاص ثالث که طرف معامله شرکت می‌باشند نخواهد داشت و در مانحن‌فیه بر فرض که مدیرعامل مقررات قانونی راجع به شرکت را رعایت نکرده باشد در حقیقت نوعی قصور و تخلف و عدم رعایت غبطه شرکت از جانب مدیر امضاکننده است که حداکثر می‌تواند ملاک مؤاخذه و مطالبه خسارت در رابطه با مدیران و شرکت باشد و تأثیری در حقوق دارنده مستند ابرازی نخواهد داشت؛ به‌خصوص که عرفاً و معمولاً معامله‌کنندگان با شرکت اساسنامه و صورت‌جلسات هیأت مدیره و مجامع عمومی شرکت را نمی‌بینند و سرعت و سهولت در روابط تجاری اقتضا دارد که اصل را بر صحت گذاشته و به مدیران معرفی شده اعتماد

کنند. بنابراین، عدم رعایت شرایط اساسنامه از طرف مدیر یا مدیران امضاکننده صرفاً ملاک تخلف آنان در قبال شرکت است والا در قبال اعمال مدیران این اشخاص ثالث هستند که می‌بایست این موضوع را تحمل کنند. به عبارت روشن‌تر، یک شخصیت حقوقی وقتی با دیگران وارد معامله شود خود باید معامله را از جهت مقررات شرکت مراقبت نماید و نمی‌تواند تا وقتی که قرارداد را قبول دارد امضائات آن را مؤثر بداند و هنگامی که از اجرای قرارداد منصرف شد امضائات را غیرمؤثر و اقدامات انجام شده را باطل بداند زیرا، این امر بر خلاف حسن نیت است که مبنای رابطه حقوقی طرفین است. از این‌رو، دادگاه مدافعات عنوان شده از ناحیه وکیل خوانده را به جهاتی که از پیش گفته شد موجه و در خور پذیرش ندانسته آنگاه بر مبنای آن جهاتی که فوقاً قلم گرفته شد، دعوی اقامه‌شده خواهان را متکی به دلیل دانسته و به استناد مواد تذکاریه در متن ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی مدنی خوانده را به پرداخت ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ میلیون ریال بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ ۶۱۸۷۰۰۰ ریال بابت کلیه خساراتی که به سبب طرح دعوی به خواهان وارد کرده اعم از هزینه اوراق دفتر، هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل در این مرحله از رسیدگی و نیز خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه (۱۳۹۰/۱۰/۵) لغایت هنگام پرداخت آن بر مبنای شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که قابل احتساب در دایره محترم اجرای احکام می‌باشد در حق خواهان محکوم می‌نماید. مع‌الوصف اعلام می‌دارد حکم اصداری حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

قبل از نقد رأی یادشده به جهت روشن‌تر شدن ابعاد بحث لازم است ضمن تطبیق حقوق ایران با سایر کشورها، موضوع مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از آنجا که در حقوق کشورهای خارجی، به‌ویژه کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو، مباحث عمیق‌تری در این ارتباط مطرح شده است، فصل اول را به مطالعه تطبیقی اختصاص داده و مقررات کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو و حقوق نوشته مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم به بررسی مقررات حقوق ایران می‌پردازیم.

در فصل سوم به مقایسه حقوق ایران و سایر کشورها می‌پردازیم و در نهایت در فصل چهارم، رأی صادره از دادگاه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

فصل اول: مطالعه تطبیقی

در این فصل، به موضع حقوق کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو و حقوق نوشته در ارتباط با اقدامات خارج از حدود اختیارات مدیران و ضمانت اجرای آن می‌پردازیم. از آنجا که از میان کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو، کشورهای انگلیس و آمریکا مباحث غنی‌تری نسبت به سایر کشورها دارند، لذا فقط مقررات این دو نظام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: مطالعه حقوق کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو (انگلیس و آمریکا)

گفتار اول: پیدایش قاعده تجاوز از حدود اختیارات در نظام کامن‌لو

در نظام کامن‌لو بر خلاف حقوق کشورهای حقوق نوشته، حدود اختیارات شرکت و مدیران بر اساس قاعده "تجاوز از حدود اختیارات"^۱ است. این قاعده همان‌طور که خواهیم دید، مشکلات عملی زیادی را برای فعالان تجاری ایجاد نمود و ابتدا دادگاه‌ها در صدد تعدیل این قاعده برآمدند و در نهایت اکثر کشورهای مبتنی بر این نظام حقوقی، قاعده فوق را تا حدود زیادی تعدیل و مقررات جدیدی را تدوین نمودند که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

در این گفتار ابتدا به تبیین و مبانی قاعده پرداخته و سپس از آنجا که قاعده فوق در طول زمان توسط دادگاه‌ها بازنگری شده، موضع دادگاه‌ها در این ارتباط بیان می‌شود.

1. *Altra vires doctrine (beyond the powers doctrine).*
2. Lutz-Christian Wolff, "The Disappearance of the Ultra Vires Doctrine in Greater China: Harmonized Legislative Action or (Simply) an Accident of History," *Northwestern Journal of International Law & Business*, Volume 23, Issue 3 Spring, Chicago, Illinois, 2003, p 634.

بند اول: تبیین قاعده

قاعده تجاوز از حدود اختیارات در قرن نوزدهم توسط دادگاه‌ها مطرح گردید. این قاعده مبتنی بر نظام کامن‌لو است. منبع اصلی در این ارتباط، رأی مجلس لردها در پرونده حمل و نقل اشبری و شرکت آهن علیه ریچ^۱ است. در این پرونده شرکت فوق قراردادی برای ساخت ریل راه آهن در بلژیک منعقد نمود. موضوع شرکت بر طبق اساسنامه آن ساخت، فروش و اجاره قطار و واگن آن بود. دادگاه رأی داد قرارداد شرکت مزبور با ریچ باطل است و دعوی مدیران مبنی بر اعلام بطلان قرارداد وارد است. استدلال مرجع فوق آن است که باید از سهام‌داران حمایت شود؛ به این معنی که آنها به اعتبار موضوع شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند و تمایل ندارند سرمایه آنها در کار دیگری به کار گرفته شود.^۲ استدلال دیگری که بعضی از مؤلفین به آن اشاره کرده‌اند، حمایت از طلبکاران شرکت است. در توجیه آن بیان شده که آنان به اعتبار موضوع شرکت و فعالیت‌هایی که دارد تسهیلاتی برای شرکت قائل شده‌اند و چنانچه شرکت دست به معاملات خارج از موضوع بزند، این امر موجب سلب اطمینان و در نتیجه ضرر آنان خواهد شد.^۳

بر اساس این قاعده، شرکت یک نهاد تجاری با اختیارات و اهلیت محدود می‌باشد و در صورتی که خارج از حدود موضوع شرکت که در اساسنامه قید شده یا اختیاراتی که توسط قانون به وی اعطا شده قراردادی منعقد کند، بنابر نظر اکثر دادگاه‌ها قرارداد غیر قابل اجرا است؛ به این معنی که دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد.^۴ البته، بعضی دادگاه‌ها آنرا باطل دانسته و معتقدند تأثیری در متعهد

1. Ashbury Railway Carriage and Iron Company v. Riche (1875).
2. Brenda Hannigan, **Company Law**, Third Edition, Oxford University press, UK, 2003, p 101.
3. Kenneth K Mwenda, **Legal Aspects of Banking Regulation: Common Law Perspectives form Zambia**, Pretoria University Press, South Africa, 2010, p 34.
4. American Bar Association, **Model Business Corporation Act annotated Model Business Corporation Act American Bar Association**. 4th ed., Vo.1, Committee on Corporate Laws, US., 2008, p 3-63; also see Len Sealy and Sarah Worthington, Cases and Materials in Company, op. cit, p 100.

کردن شرکت ندارد^۱ و حتی معتقدند چنین معامله‌ای قابل تنفیذ هم نمی‌باشد.^۲

بند دوم: مبانی قاعده

این قاعده عمدتاً بر دو مبنا استوار است. یکی همان‌گونه که در رأی دادگاه ملاحظه شد، حمایت از سهام‌داران و سرمایه آنها است. علت این امر آن است که اشخاص سرمایه‌گذار که در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند حق دارند بدانند سرمایه آنان در چه امری مصرف می‌شود.^۳ مثلاً شخصی که در یک شرکت معدن طلا سرمایه‌گذاری می‌کند انتظار ندارد سرمایه وی در تجارت آبیان دریایی مصرف شود. مبنای دیگر فرض بر اطلاع اشخاص ثالث از اساسنامه شرکت‌ها است، به این معنی که با انتشار اساسنامه شرکت‌ها فرض بر آن است که کلیه اشخاص از اساسنامه شرکت‌ها و محتویات آن مطلع هستند. از فرض یادشده تحت عنوان ابلاغ یا اطلاع حکمی یا قانونی^۴ یاد می‌شود.^۵

بر اساس این فرض، آنچه در اساسنامه شرکت‌های تجاری وجود دارد به اشخاص ابلاغ قانونی شده است، زیرا، اساسنامه شرکت‌ها یک سند عمومی است و در اختیار عامه مردم قرار می‌گیرد.

بند سوم: تعدیل قاعده

قاعده فوق حقوق اشخاص ثالث را کاملاً نادیده گرفته بود و اشخاص ثالث را ملزم می‌کرد که برای انجام قرارداد نه تنها اساسنامه شرکت را مورد بررسی قرار

1. Lutz-Christian Wolff, **The Disappearance of the Ultra Vires Doctrine in Greater China: Harmonized Legislative Action or (Simply) an Accident of History**, Northwestern Journal of International Law & Business, Volume 23, Issue 3 Spring, Chicago, Illinois, 2003, p 636.
2. Muhammad Waqas, "Applications of the Doctrine of Ultra Vires in Developed Countries and Developing Countries," **Journal of Applied Environmental and Biological Sciences**, TextRoad Publication, 2014, p 145.
3. Len Sealy and Sarah Worthington, **Cases and Materials in Company**, op.cit, p 101.
4. Construction notice.
5. Andrew Burrows, **Oxford Principles of English Law: English Private Law**, third ed., Oxford University Press, UK, 2013, p 138.

دهند، بلکه مصوبات داخلی شرکت را نیز مدنظر قرار دهند. در صورت غفلت از این امر، این امکان برای شرکت وجود داشت که قراردادهای فی‌مابین را باطل اعلام کند.

به جهت بروز این مشکلات، قاعده فوق توسط دادگاه‌ها مورد تعدیل قرار گرفت. در پرونده بانک رویال بیریتش علیه ترکواند^۱ مدیران بانک رویال بیریتش اوراق قرضه‌ای را برای ترکواند صادر کردند. بر اساس اساسنامه، صدور اوراق قرضه موکول به تصویب مجمع عمومی شرکت بود، لکن مدیران شرکت بدون وجود چنین مصوبه‌ای اوراق قرضه صادر کردند. دادگاه به نفع ترکواند رأی داد. دادگاه معتقد بود این درست است که اساسنامه یک سند عمومی است و فرض این است که همه از آن اطلاع دارند، لکن اشخاص ثالث از امور داخلی شرکت اطلاعی ندارند و چنین فرضی در مورد امور داخلی شرکت که افراد از آن بی‌اطلاع هستند، وجود ندارد. بنابراین، وی حق داشته است که فرض کند مصوبه مجمع عمومی در این ارتباط اخذ شده است. به عبارت دیگر، هرچند صدور اوراق قرضه منوط به اخذ مصوبه از مجمع عمومی است ولی اینکه واقعا چنین مصوبه‌ای اخذ شده یا نه امر داخلی شرکت است و فرض اشخاص ثالث از آن وجود ندارد. این پرونده منشأ قاعده‌ای تحت عنوان قاعده مدیریت داخلی^۲ گردید. بر اساس این قاعده شخص ثالث با حسن نیت حق دارد در انعقاد معاملات چنین فرض کند که کلیه تشریفات لازم در ارتباط با مدیریت شرکت و امور مذکور در اساسنامه رعایت گردیده است.^۳

قاعده یادشده استثنایی بر قاعده "تجاوز از حدود اختیارات" می‌باشد، زیرا، در قاعده "تجاوز از حدود اختیارات" فرض بر این است که اشخاص ثالث به‌طور کلی مطلع از اساسنامه و امور داخلی شرکت می‌باشند، ولی قاعده مدیریت داخلی

1. Royal British Bank v. Turquand (1856).

2. Internal or Indoor Management ;Rule.

3. Andrew Burrows, **Oxford Principles of English Law: English Private Law**, op. cit, p 138.

شرکت، قاعده فوق را تخصیص زد و به موجب قاعده فوق اشخاص ثالث مجبور نیستند از امور داخلی شرکت اطلاع حاصل کنند. قاعده "مدیریت داخلی شرکت" با تصمیم مجلس لردها در پرونده مهونی علیه شرکت معدن هلی فورد شرقی^۱ تثبیت شد. در این پرونده بر طبق اساسنامه شرکت، چک‌های شرکت باید به امضای دو مدیر و منشی شرکت می‌رسید. لکن بعداً مشخص شد که تشریفات لازم برای انتخاب مدیران رعایت نگردیده است. مجلس لردها رأی داد این واقعیت که مدیران به درستی منصوب نشده‌اند، یک امر مربوط به امور داخلی شرکت است و اشخاص ثالث که چک را دریافت کرده‌اند، حق دارند چنین فرض کنند که تشریفات نصب مدیران به نحو صحیح بوده است.^۲

ثئوری مدیریت داخلی شرکت‌ها نیز نتوانست مشکلات موجود را حل کند. زیرا، در امور تجاری اصل بر سرعت است و شرکت‌ها قادر نیستند برای هر معامله اساسنامه شرکت‌ها را مورد ملاحظه قرار داده تا از محدودیت‌های مقرر در آن مطلع شوند و شرکت‌ها از این موقعیت سوء استفاده می‌کردند و هر کجا که معامله‌ای به ضرر آنها بود به این قاعده تمسک کرده و درصدد بطلان آن برمی‌آمدند. به این لحاظ، محدوده و قلمرو ثئوری فوق در قوانین مدرن شرکت‌های تجاری تضییق گردید^۳ و در نتیجه قاعده تجاوز از حدود اختیارات در بسیاری از کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو با تدوین قوانین جدید نسخ گردیده است.^۴ در ذیل به تفصیل به مقررات حقوق انگلیس و آمریکا در این ارتباط می‌پردازیم.

گفتار دوم: حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، عمده مواد مربوط در این ارتباط، مواد ۳۱، ۳۹ و ۴۰ قانون

1. Mahoney v East Holyford Mining Co. (1875).
2. Nicholas Bourne, **Bourne on Company Law**, 6th ed., Routledge, Great Britain, 2013, p 164.
3. Jonathan, R. Macey, **Macey on Corporation Laws**, Wolters Kluwer, New York, US, 2015, p 4-50.
4. Lutz-Christian Wolff, **The Disappearance of the Ultra Vires Doctrine in Greater China**, op.cit, p 637.

شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ است. مواد فوق منبعث از ماده ۱۰ دستورالعمل شورای اروپا^۱ می‌باشد^۲ که از اول اکتبر سال ۲۰۰۹ لازم الاجرا گردید.^۳ در خصوص ارتباط اشخاص ثالث با مدیران شرکت سه نکته حائز اهمیت می‌باشد که عبارتند از: ۱- عدم تأثیر محدودیت‌های مقرر در اساسنامه در قراردادهای بین مدیران و اشخاص ثالث ۲- حقوق سهام‌داران در جلوگیری از اقدامات خارج از حدود اختیارات مدیران ۳- مسئولیت مدیران نسبت به انجام اقدامات خارج از حدود اختیار، که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم.

بند اول: اهلیت شرکت و اختیارات مدیران

در حقوق این کشور، دو تغییر اساسی در ارتباط با اختیارات مدیران نسبت به اشخاص ثالث ایجاد گردید. تغییر اول آنکه تا قبل از تصویب قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ لازم بود موضوع شرکت در اساسنامه قید شود. اما با توجه به بند ۱ ماده ۳۱ قانون مذکور^۴ درج چنین امری در اساسنامه اختیاری شده است و در صورت سکوت، موضوع شرکت نامحدود است.^۵ بنابراین، لازم نیست شرکت بندی تحت عنوان موضوع شرکت داشته باشد^۶ بنابراین، چنانچه شرکت در صدد محدود کردن موضوع باشد، این امر باید در اساسنامه شرکت قید شود.^۷

تغییر دیگر اینکه تا قبل از قانون اصلاحی شرکت‌ها، مصوب ۱۹۸۹، اقدامات خارج از حدود اختیارات شرکت، حتی با تنفیذ کلیه سهام‌داران قابل تنفیذ

1. Directive 2009/101/EC.
2. Derek French, Stephen Mayson & Christopher Ryan, **Company law**, 31st ed., Oxford University Press, UK., 2015, p 620.
3. Muhammad Waqas, **Applications of the Doctrine of Ultra Vires in Developed Countries and Developing Countries**, op. cit, p 147.
4. 31 Statement of company's objects.
(1) Unless a company's articles specifically restrict the objects of the company, its objects are unrestricted.
5. Len Sealy and Sarah Worthington, **Cases and Materials in Company**, op. cit, p 100.
6. Michael Ottley, **Company law**, 6th ed., Cavendish Publishing Limited, New York, 2009, p 63.
7. S 31(1) Companies Act 2006.

نبود.^۱ در حالی که به موجب بند الف ماده ۳۵ قانون شرکت‌ها، مصوب ۱۹۸۹^۲، اشخاص ثالث با حسن نیت مورد حمایت قرار گرفتند و محدودیت‌های مقرر در اساسنامه راجع به هیأت مدیره تأثیری نسبت به اشخاص ثالث ندارد و شرکت نمی‌تواند به لحاظ اینکه اقدامات هیأت مدیره تجاوز از حدود اختیارات آنها بوده معاملات را باطل اعلام کند و اصل بر صحت آن معاملات است.

ماده ۴۰ قانون شرکت‌ها، مصوب ۲۰۰۶ با تأکید بر نکته فوق، مقررات مشخص‌تری را وضع نمود. به موجب ماده یادشده محدودیت‌هایی که در اساسنامه شرکت قید می‌شود، تأثیری نسبت به اشخاص ثالث که با شرکت معامله می‌کنند، ندارد و شرکت نمی‌تواند به لحاظ محدودیتی که در اساسنامه برای مدیران ایجاد کرده، آن اقدامات را مخدوش و غیر معتبر بداند. در این ماده نکاتی به شرح ذیل مورد توجه قرار گرفته است.

اولاً: از لحاظ اشخاص ثالث، مدیران شرکت دارای اختیار نامحدود هستند. ثانیاً: شخص ثالث ملزم به بررسی و تحقیق در مورد حدود اختیارات مدیران شرکت نمی‌باشد. ثالثاً: فرض آن است که شخص ثالث با حسن نیت عمل کرده است. رابعاً: به صرف اطلاع از اینکه اقدامی خارج از اختیارات مدیران است، سوءنیت تلقی نمی‌شود.^۳ خامساً: برخلاف بند الف ماده ۳۵ قانون شرکت‌ها، مصوب ۱۹۸۹، در این

1. Hans C Hirt , **The Enforcement of Directors' Duties in Britain and Germany: A Comparative Study with Particular Reference to Large Companies**, Peter Lang AG, European Academic Publishers, Germany, 2004, p 146.
2. Section 35A of the Companies Act 1989, provides: "(1) In favour of a person dealing with a company in good faith, the power of the board of directors to bind the company, or authorise others to do so, shall be deemed to be free of any limitation under the company's constitution." .
3. 40 Power of directors to bind the company.
 - (1) In favour of a person dealing with a company in good faith, the power of the directors to bind the company, or authorise others to do so, is deemed to be free of any limitation under the company's constitution.
 - (2) For this purpose—
 - (a) a person "deals with" a company if he is a party to any transaction or other act to which the company is a party,
 - (b) a person dealing with a company—

ماده از عبارت هیأت مدیره استفاده نشده است و فقط به مدیران اشاره شده است. بنابراین، همان‌طور که هیأت مدیره می‌تواند شرکت را متعهد کند، هر یک از مدیران نیز نماینده شرکت در متعهد کردن شرکت محسوب می‌شود.^۱ بنابراین، چنانچه اشخاص ثالث قرارداد خود را با هیأت مدیره یا مدیران شرکت منعقد کنند مورد حمایت قرار می‌گیرند، زیرا، به موجب قواعد بنیادین انتساب^۲ اقدامات هیأت مدیره یا مدیران به‌عنوان اقدامات شرکت تلقی می‌شود.^۳

البته معمولاً اساسنامه شرکت به هیأت مدیره اجازه می‌دهد اختیارات خود را به کمیته‌ای از مدیران^۴ یا مدیرعامل^۵ تفویض^۶ کند. به این معنی که هیأت مدیره می‌تواند اختیارات خود را به شخص یا اشخاص دیگر واگذار کند، لکن در هر زمان می‌تواند اختیارات داده شده را پس بگیرد.^۷ حال چنانچه اشخاص ثالث قرارداد خود را با نمایندگان تحت امر^۸ هیأت مدیره انجام دهند ولو اینکه هیأت مدیره بر خلاف محدودیت‌های مقرر در اساسنامه چنین اختیاری به آنها داده باشند، قرارداد منعقد

- (i) is not bound to enquire as to any limitation on the powers of the directors to bind the company or authorise others to do so,
(ii) is presumed to have acted in good faith unless the contrary is proved, and
(iii) is not to be regarded as acting in bad faith by reason only of his knowing that an act is beyond the powers of the directors under the company's constitution.
(3) The references above to limitations on the directors' powers under the company's constitution include limitations deriving—(a) from a resolution of the company or of any class of shareholders, or (b) from any agreement between the members of the company or of any class of shareholders.
See also: Paul Davies, **Introduction to company law**, second ed., Oxford University press, New York, 2010, p.36 and John Davis, **A Guide to Directors' Responsibilities under the Companies Act 2006**, The Association of Chartered Certified Accountants, London, 2007, p 25.
1. Brenda Hannigan, **Company law**, third ed., Oxford University Press, Great Britain, 2012, p 173.
 2. Primary rules of attribution.
 3. Paul Davies, **Introduction to company law**, second ed., Oxford University press, New York, 2010, p 41.
 4. Committee of directors.
 5. Managing director.
 6. Delegation.
 7. Alan Dignam & Andrew Hicks, **Hicks & Goo's Cases and Materials on Company Law**, Oxford University Press, New York, US, 2011, p 245.
 8. Sub-board agents.

با چنین نمایندگانی، شرکت را نیز ملزم می‌کند. بر اساس بند ۱(ب) ماده ۴۳ قانون شرکت‌ها، مصوب ۲۰۰۶ در صورتی که شرکت به‌طور صریح یا ضمنی به غیر از مدیران به شخصی اختیار دهد تا از جانب شرکت مبادرت به انعقاد قرارداد کند، آن شخص می‌تواند با اشخاص ثالث قرارداد منعقد کند.^۱ لکن در صورتی که این‌گونه اشخاص خارج از حدود اختیاری که هیأت مدیره به آنها داده است اقدام کنند، خیلی روشن نیست که اشخاص ثالث بتوانند از حمایت مقرر در ماده ۴۰ استفاده کنند.^۲

بنابراین، بر اساس مقررات جدید، قاعده تجاوز از حدود اختیارات تا حدود زیادی نسخ گردیده و شرکت نمی‌تواند به دلیل محدودیت‌هایی که در اساسنامه قید شده است، معاملات خود با اشخاص ثالث با حسن نیت را مورد خدشه قرار دهد^۳ و شرکت مانند اشخاص حقیقی دارای اهلیت کامل می‌باشد، مگر اینکه به موجب قانون از مبادرت به امری ممنوع باشد.^۴

بند دوم: حقوق سهام‌داران در جلوگیری از انعقاد معاملات خارج از حدود

اختیارات مدیران

بر اساس بند ۴ ماده ۴۰ قانون شرکت‌های انگلیس، مصوب ۲۰۰۶ هر سهام‌دار می‌تواند قبل از انجام معامله توسط شرکت، به لحاظ اینکه اقدامات مدیران خارج از حدود اختیارات آنان می‌باشد، از انعقاد آن جلوگیری نماید.^۵ به عبارت دیگر، اقدام

1. 43 Company contracts.

(1) Under the law of England and Wales or Northern Ireland a contract may be made—

(a) by a company, by writing under its common seal, or

(b) on behalf of a company, by a person acting under its authority, express or implied.

2. Paul Davies, **Introduction to company law**, second ed., Oxford University press, New York, 2010, p 41.

3. 39 A company's capacity.

(1) The validity of an act done by a company shall not be called into question on the ground of lack of capacity by reason of anything in the company's constitution.

4. Len Sealy and Sarah Worthington, **Cases and Materials in Company**, op. cit, p 100.

5. Companies Act 2006 Art. 40 (4): This section does not affect any right of a member of the company to bring proceedings to restrain the doing of an

سهام‌دار بر مبنای دعوی مشتق می‌باشد و هر یک از سهام‌داران از جانب شرکت می‌تواند جهت جلوگیری از انجام معاملات خارج از حدود اختیارات علیه مدیران شرکت در دادگاه اقامه دعوی کرده و منع شرکت از انجام معامله را درخواست کند.^۱

بند سوم: مسئولیت مدیران نسبت به اقدامات خارج از حدود اختیار

مدیران شرکت در حدودی که در اساسنامه قید شده اختیار دارند^۲ و قصور در این امر نقض تعهد آنان بوده و موجب مسئولیت آنان است.^۳ بنابراین، چنانچه مدیران شرکت از این وظیفه تخطی نموده و اقدام به اعمالی نمایند که خارج از حدود اختیارات آنان است، مسئول خسارات وارده هستند؛ هر چند شرکت نمی‌تواند اقدامات خارج از حدود اختیارات آنان نسبت به اشخاص ثالث را بی اعتبار اعلام کند.

گفتار سوم: حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، مقررات حقوق شرکت‌های تجاری در هر ایالت که ناظر بر امور داخلی آنها می‌باشد، با ایالت دیگر تفاوت دارد و هر ایالت می‌تواند مقررات حقوق شرکت‌های خود را به صلاحدید خود تصویب نماید و این باعث تعدد قوانین در کشور آمریکا می‌باشد.^۴ به این لحاظ بخش حقوق شرکت‌های تجاری در کانون وکلای آمریکا پیش‌نویس قانونی را تنظیم نموده که تحت عنوان "قانون نمونه شرکت‌های تجاری ایالتی" از آن یاد می‌شود و چندین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. بیشتر ایالات آن را پذیرفته و هم اکنون نیز آن را اجرا می‌نمایند.^۵

→ action that is beyond the powers of the directors. But no such proceedings lie in respect of an act to be done in fulfilment of a legal obligation arising from a previous act of the company.

1. Kenneth K Mwenda, *Legal Aspects of Banking Regulation: Common Law Perspectives from Zambia*, Pretoria University Press, South Africa, 2010, p 41.
2. 171 Duty to act within powers.
A director of a company must—
(a) act in accordance with the company's constitution, and
(b) Only exercise powers for which they are conferred.
3. Brenda Hannigan, **Company law**, op.cti, p 167.
4. Donald J. Brown & Daniel M. Waters, "Dissenter's rights and fundamental changes under the New Iowa Business Corporation Act," **Drake Law Review**, v.40, 1991, p 734.

بنابراین، مطالعه قانون اصلاحی نمونه ما را با مقررات اکثر ایالات در آمریکا آشنا می‌سازد. بند ۴ ماده ۳ قانون نمونه اصلاحی که راجع به اقدامات خارج از حدود اختیار می‌باشد، به نحوی طراحی شده که بیشتر آثار قاعده تجاوز از حدود اختیارات را در ارتباط با شرکت‌های تجاری منتفی می‌سازد.^۱

بر اساس شق الف بند ۴ ماده ۳ مقررات متحدالشکل آمریکا^۲، هر کس از جانب شرکت اختیار داشته و عملی را انجام دهد، شرکت ملزم به آن خواهد بود حتی اگر شرکت برای مبادرت به آن عمل فاقد اختیار باشد یا قبلاً فاقد اختیار بوده است. به عبارت دیگر، فقدان اختیار برای انجام یک عمل برای لازم الاجرا بودن معاملات، دفاع محسوب نخواهد شد. هدف اصلی این مقررہ حمایت از اشخاص ثالث و عدم لزوم بررسی هرگونه محدودیت شرکت در اساسنامه توسط اشخاص ثالث می‌باشد.^۳ البته قاعده مندرج در این ماده مانند شمشیر دو لبه است. به این معنی که از یک طرف شخص ثالث نمی‌تواند از اجرای یک قرارداد ناخوشایند به دلیل عدم اهلیت شرکت خودداری نماید و همچنین شرکت نیز نمی‌تواند به دلیل اینکه خارج از حدود اختیار قرارداد منعقد شده آن را غیر معتبر بداند.^۴

مقررات مشابهی در ایالت دلیور در این ارتباط مشاهده می‌شود. ماده ۱۲۴ قانون شرکت‌های سهامی دلاور در این ارتباط مقرر می‌دارد: هیچ اقدامی از جانب شرکت و هیچ نقل و انتقالی از اموال غیر منقول و منقول شرکت توسط شرکت نباید به دلیل این واقعیت که شرکت فاقد اهلیت یا فاقد اختیار انجام آن اقدام یا نقل و

1. American Bar Association, **Model Business Corporation Act annotated Model Business Corporation Act American Bar Association**. op cit, p 3-64.
2. § 3.04 ULTRA VIRES (a) Except as provided in subsection (b), the validity of corporate action may not be challenged on the ground that the corporation lacks or lacked power to act.
3. Jonathan R. Macey, **Macey on Corporation Laws**, Wolters Kluwer, New York, 2015, p 4-50.
4. The American Bar Association, Model Business Corporation Act Official Text with Official Comment and Statutory Cross-Reference Revised through June 2005, Library on Congress Cataloging-in-Publication data, US, 2005, p 3-12.

انتقال است، غیر معتبر باشد.^۱

در ارتباط با جلوگیری از اقدامات خارج از حدود اختیار مدیران شرکت باید گفت بر اساس بند ۴ ماده ۳ مقررات متحدالشکل آمریکا^۲، سهامداران شرکت می‌توانند از دادگاه تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری مدیران از اقدامات خارج از اختیارات بگیرند. همچنین، شرکت یا سهامداران از جانب شرکت می‌توانند از مدیران شرکت به علت خروج آنان از وظایف امانی و نه به لحاظ خروج از حدود اختیارات، خسارات وارده را مطالبه نمایند.^۳

به علاوه، بر اساس بند یاد شده دادستان کل ایالتی نیز می‌تواند با اقامه دعوی جلوی این‌گونه اقدامات شرکت را بگیرد یا تقاضای انحلال شرکت را بکند. همان‌طور که ملاحظه گردید، مقررات حقوق آمریکا و انگلیس تقریباً مشابه یکدیگر می‌باشد و شرکت‌ها نمی‌توانند اقدامات خارج از حدود اختیار مدیران را مورد خدشه قرار دهند. بنابراین قاعده تجاوز از حدود اختیار در حقوق آمریکا نیز تا حدود زیادی نسخ گردیده است.

1. Delaware General Corporation Law: § 124. Effect of Lack of Corporate Capacity or Power; Ultra Vires:

No act of a corporation and no conveyance or transfer of real or personal property to or by a corporation shall be invalid by reason of the fact that the corporation was without capacity or power to do such act or to make or receive such conveyance or transfer

2. § 3.04 ULTRA VIRES (b) A corporation's power to act may be challenged:

(1) in a proceeding by a shareholder against the corporation to enjoin the act; (2) in a proceeding by the corporation, directly, derivatively, or through a receiver, trustee, or other legal representative, against an incumbent or former director, officer, employee, or agent of the corporation; or (3) in a proceeding by the Attorney General under section 14.30.

(c) In a shareholder's proceeding under subsection (b)(1) to enjoin an unauthorized corporate act, the court may enjoin or set aside the act, if equitable and if all affected persons are parties to the proceeding, and may award damages for loss (other than anticipated profits) suffered by the corporation or another party because of enjoining the unauthorized act.

3. Roger Miller, **Cengage Advantage Books: Business Law: Text and Cases – The First Course**, Cengage Learning, USA, 2015, p 623; American Bar Association, Model Business Corporation Act annotated, op. cit, p 3-61.

مبحث دوم: مطالعه حقوق کشورهای مبتنی بر نظام حقوق نوشته

در بیشتر کشورهای حقوق نوشته نیز مقرراتی مشابه آنچه در کشورهای مبتنی بر نظام کام‌لو است، وجود دارد.^۱ در این کشورها، اختیار این مدیران برای نمایندگی از جانب شرکت و متعهد کردن شرکت به حکم قانون است و بستگی به اختیارات اعطا شده در مقررات داخلی شرکت از جمله اساسنامه ندارد. بنابراین، بسیاری از اقدامات مدیران اجرایی شرکت، صرف‌نظر از محدودیت‌هایی که برای آنها در اساسنامه وجود دارد، شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می‌سازد.^۲ در اینجا به چند نمونه از مقررات کشورهای مبتنی بر حقوق نوشته اشاره می‌شود:

۱. حقوق فرانسه

در حقوق این کشور، اصل "امور اختصاص یافته در اساسنامه"^۳، معادل دکترین "تجاوز از حدود اختیارات"، در کام‌لو می‌باشد. البته برخلاف دکترین تجاوز از حدود اختیار در کام‌لو، اصل یاد شده در حقوق فرانسه مدیران شرکت را محدود به انعقاد معاملات خاص نمی‌کند، بلکه آنها را محدود به موضوع خاص و به عبارتی تجارت یا صنعت خاص می‌کند. اهلیت شرکت محدود به موضوع شرکت است^۴ و چنانچه هیأت مدیره خارج از موضوع شرکت مبادرت به انعقاد معاملاتی کند، آن معاملات باطل بوده و شرکت به آن متعهد نمی‌گردد. مع‌ذک، در عمل چنین معاملاتی از طرف شرکت قابل ابطال هستند. به‌علاوه، این‌گونه معاملات ممکن است در مجمع فوق‌العاده سهام‌داران مورد تنفیذ قرار گیرند.^۵ لکن در حال حاضر با پذیرش دستورالعمل اول اروپایی^۶، شرکت‌های سهامی عام^۱ و شرکت با

1. Global Investment Center, **France Company Laws and Regulations Handbook**, Volume 1, International Business Publications, USA, 2012, p 30.
2. M John Sterba Jr, **Legal Opinion Letters A Comprehensive Guide to Opinion Letter Practice**, third ed., Wolters Kluwer Law & Business, New York, US, 2014, p 11-126.
3. spécialité statutaire.
4. K. Zweigert U Drobnig, **International Encyclopedia of Comparative Law**, V.XIII, Martinus Nijhoff Publishers, Boston, 2002, p 28.
5. Christian Campbell, **International Liability of Corporate Directors**, Yorkhill Law Publishing, Salzburg Austria, 2007, p I/332.
6. First Directive on the Co-ordination of the Protective Provisions of Member States Concerning Companies, Art.9.

مسئولیت محدود^۲ نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به محدودیت‌های مقرر در اساسنامه، استناد نمایند؛ مگر اینکه ثابت کنند اشخاص ثالث از اینکه معامله خارج از حدود مقرر در اساسنامه است، مطلع بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشند.^۳

۲. حقوق بلژیک

در حقوق این کشور، شرکت‌ها باید اقدامات خود را محدود به موضوع شرکت کنند و نمایندگان شرکت فقط می‌توانند به اعمالی مبادرت کنند که در محدوده موضوع شرکت باشد. اما در صورتی که نمایندگان شرکت خارج از موضوع شرکت معاملاتی نمایند، شرکت متعهد به آن می‌گردد، مگر اینکه شرکت ثابت کند اشخاص ثالث اطلاع داشته یا بایستی اطلاع داشته باشند.^۴

۳. حقوق فنلاند

در حقوق این کشور، موضوع شرکت باید در اساسنامه قید شود. هرگونه محدودیت داخلی در مورد موضوع شرکت یا اختیارات مدیران که در مرجع مربوط ثبت نشده باشد، معمولاً تأثیری در مورد اشخاص ثالث با حسن نیت ندارد.^۵

۴. حقوق دانمارک

در حقوق این کشور، موضوع شرکت باید در اساسنامه قید شود. شرکت فقط باید در موضوعی که در اساسنامه قید شده به تجارت بپردازد. در صورتی که شرکت خارج از موضوع شرکت معامله‌ای انجام دهد، معمولاً باطل نخواهد بود، ولی سهام‌داران می‌توانند علیه هیأت‌مدیره به لحاظ خسارت وارده شکایت کنند. محدودیت‌های مقرر در اساسنامه در مقابل اشخاص ثالث تأثیری ندارد، مگر اینکه اشخاص ثالث از این محدودیت اطلاع داشته یا باید مطلع بوده باشند.^۶

1. Société Anonyme.
2. société à responsabilité limitée.
3. Michael Gruson, Stephan Hutter, Michael Kutschera, **Legal Opinions in International Transactions**, 4th ed., Kluwer Law International, The Netherlands, 2003 p.132. See also: Christian Campbell, op.cit, p I/333.
4. Michael Gruson, **Legal Opinions in International Transactions**, op.cit, p 126.
5. Ibid, p 131.
6. Ibid, p 130.

فصل دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران، در خصوص وضعیت قرارداد در صورتی که مدیرعامل خارج از حدود اختیار خود مبادرت به انعقاد قرارداد کند، به لحاظ ابهام قانون دیدگاه‌های مختلفی در رویه قضایی و دکترین مشاهده می‌گردد. در لایحه تجارت سعی شده جهت رفع ابهام از قانون و قلع ماده نزاع مقررات روشن و شفاف‌تری پیش‌بینی شود که در ذیل به آن می‌پردازیم.

مبحث اول: اختلاف دیدگاه‌ها راجع به اقدامات خارج از حدود اختیار

مدیران

در حقوق ایران، مدیرعامل نماینده شرکت است و از طرف شرکت حق امضا دارد، لکن قانون‌گذار حکم صریحی نسبت به اقدامات خارج از حدود اختیار وی در مقابل اشخاص ندارد. به این جهت رویه قضایی و دکترین در مورد تأثیر اقدامات خارج از حدود اختیار مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث موضع واحدی ندارد و دو نظریه در این مورد ابراز گردیده که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم.

گفتار اول: نظریه عدم تأثیر اقدامات خارج از حدود اختیار مدیرعامل در مقابل

اشخاص ثالث

بر اساس این نظریه اقدامات خارج از حدود اختیارات مدیرعامل شرکت را متعهد نمی‌سازد. به این معنی که چنانچه در اساسنامه یا مصوبه هیأت مدیره محدودیت‌هایی برای مدیرعامل وجود داشته باشد، تأثیری نسبت به اشخاص ثالث که با شرکت قراردادی منعقد نموده‌اند، ندارد.

به جهت روشن شدن موضوع و مبانی استدلال‌ات ابرازی به ذکر آرای در این مورد می‌پردازیم.

در یک پرونده، خواهان دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ ۳۸۰۰۰۰۰۰ ریال وجه ۴ برگ سفته علیه خوانده مطرح و پرونده به شعبه ۲۷ دادگاه شهرستان تهران ارجاع می‌گردد. وکیل خوانده مدعی است سفته‌ها برای انجام قرارداد مربوط به تحویل چوب بوده که موقتاً به مدیرعامل شرکت تسلیم شده لکن به علت عدم

انجام معامله و عدم تحویل چوب، سفته مورد مذاکره باید مسترد می‌گردید، لکن مدیرعامل یادشده سفته‌های موکل را با ظهنویسی به خواهان داده است در حالی که: اولاً؛ موکل بابت سفته‌های مزبور بدهی ندارد. ثانیاً؛ طبق اساسنامه و صورت‌جلسه هیأت مدیره، حق امضا اوراق و اسناد تعهدآور با یکی از اعضا هیأت مدیره و مدیرعامل با مهر شرکت بوده است. در حالی که امضا سفته متعلق به آقای پ. است و آقای ص. مدیرعامل دیگر آنها را امضا نکرده است.

دادگاه پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۴۰۶ مورخ ۵۸/۶/۱۱ مدافعات عنوان شده را موجه ندانسته است. زیرا، معتقد است اولاً؛ اسناد تجاری مستقلاً و فارغ از علت و منشأ مبادله آنها معتبر و به صرف ظهنویسی قابل انتقال است لذا ادعای عدم انجام معامله تأثیری در حق ثابت وی نخواهد داشت. ثانیاً؛ فقدان امضا احد از مدیران عامل تأثیری در حقوق خواهان نخواهد داشت. طبق ماده ۱۱۸ و ۱۲۵ اصلاحی مدیرعامل نماینده شرکت محسوب و حق امضا دارد و محدود نمودن اختیارات آنان در اساسنامه یا در صورت‌جلسات تأثیری در حقوق اشخاص ثالث که طرف شرکت می‌باشند نخواهند داشت و عدم امضا سفته‌ها توسط یکی از مدیران با نگرش به ماده ۱۴۲ اصلاحی حداکثر می‌تواند ملاک مطالبه خسارت در روابط مدیران و شرکت باشد و تأثیری در حقوق دارنده سند ندارد^۱.

مشابه همین استدلال با بیانی دیگر در نظریه قضات دادگاه‌ها در نشست‌های قضایی که به صورت سؤال و جواب است می‌توان ملاحظه نمود. به سؤال و جوابی در این ارتباط توجه کنید:

”سؤال: شرکت سهامی الف، خودرویی را از شرکت با مسئولیت محدود ب، به مبلغ چهل میلیون ریال خریداری می‌نماید. در قبال آن، مدیرعامل شرکت چکی را به میزان ثمن معامله صادر می‌نماید (به همراه مهر شرکت) و در اختیار

۱. یدالله بازگیر، منتخب آراء حقوقی محاکم در سه دهه ۵۰، ۶۰، ۷۰ (انتشارات بازگیر، ۱۳۸۲) چ اول، ص ۳۶۸ و محمدرضا کامیار، گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی (نشر حقوق دانان، ۱۳۷۶) مجموعه سوم، چ اول، ص ۱۳۴.

فروشنده قرار می‌دهد، که به لحاظ بلامحل بودن چک مذکور، شرکت فروشنده به طرفیت شرکت خریدار اقامه دعوا می‌نماید. شرکت اخیر در مقام دفاع بیان می‌دارد که حسب اساسنامه شرکت، مدیرعامل مذکور به تنهایی حداکثر به مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال اختیار صدور اسناد تعهدآور را داشته است و نسبت به مازاد مبلغ مذکور، علاوه بر امضای وی بایستی به امضای یکی از اعضای هیأت مدیره نیز (همراه با مهر شرکت) می‌رسید. بنابراین، شرکت نسبت به مازاد بر مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال چک موصوف، فاقد مسئولیت می‌باشد. با توجه به ادعای خواهان و دفاعیات خوانده، شما به عنوان قاضی رسیدگی‌کننده به این پرونده، پاسخ مسئله را در فروض مختلف به‌طور مستدل و مستند بیان دارید.

پاسخ: با توجه به قسمت اخیر ماده (۱۱۸) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت... محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث، باطل و کأن لم‌یکن است. و به همین اعتبار، تصمیمات و اقدامات مدیرعامل نسبت به اشخاص ثالث از اعتبار برخوردار است. مضافاً با توجه به ماده (۱۳۵) قانون مذکور، کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است. به این ترتیب، امکان طرح دعوی کیفری علیه صادرکننده (شخص مدیرعامل) وجود داشته و طرح دعوی حقوقی به طرفیت شرکت صاحب حساب و همچنین شخص صادرکننده چک بر مبنای مسئولیت تضامنی موضوع ماده (۱۹) قانون صدور چک، منعی نداشته و قابل استماع است. و در فرض مسئله، مدافعات شرکت خوانده بنا به مراتبی که اعلام گردید، موجه نبوده و قابل پذیرش نمی‌باشد.^۱

۱. معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی (انتشارات جنگل،

حال به آراء صادره از دادگاهها در یک پرونده که منجر به رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور گردیده توجه می‌کنیم.

در این پرونده شرکت طریق‌القدس دادخواستی به طرفیت شرکت ماشین‌های راه‌سازی دائر به الزام به تنظیم سند سه‌دانگ از شش‌دانگ یک ساختمان مطرح و پرونده به شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی یک ارجاع می‌گردد. پس از ارجاع پرونده به دادگاه، خواننده در تاریخ ۷۰/۹/۱۰ متقابلاً علیه شرکت طریق‌القدس دادخواستی به خواسته خلع ید از ساختمان فوق‌الاشعار تقدیم دادگاه می‌کند. شرکت طریق‌القدس مدعی است ساختمان فوق را از خواننده خریده است و الزام خواننده را به تنظیم سند درخواست می‌کند. شرکت ماشین‌های راه‌سازی نیز مدعی است موضوع دعوی به‌طور موقت در اختیار شرکت خواننده قرار گرفته و فروشی صورت نگرفته است.

شعبه مذکور پس از رسیدگی در مورد دعوی اصلی، حکم به بطلان دعوی صادر و در مورد دعوی تقابل با احراز مالکیت خواهان و تصرفات غیرمجاز خواننده و عدم ارائه دلیل بر انتقال مال، حکم به خلع ید شرکت طریق‌القدس از رقبه متنازع‌فیه صادر و اعلام می‌دارد. استدلال دادگاه به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

اولاً: آقای الف. که در اجرای لایحه قانونی تعیین مدیر یا مدیران به سمت مدیریت شرکت منصوب شده فقط مجاز به امضای اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک و سفته و بروات بوده و فروش و انجام قراردادهای خارج از حیطه اجازه او می‌باشد، زیرا، این معاملات موجب افزایش و یا کاهش سرمایه شرکت است و تصمیم راجع به آن در انحصار مجمع عمومی شرکت است و خارج از صلاحیت مدیران هیأت مدیره می‌باشد. ثانیاً: سمت آقای آرونی در مورد فروش محرز نیست و دخالت وی در فروش فضولی بوده و شرکت آن را امضا نموده است.

در اثر تجدیدنظرخواهی شرکت طریق‌القدس، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور طبق دادنامه شماره ۱۹/۷۳/۵۷ دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض کرده و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه دیگر حقوقی یک تهران ارجاع می‌کند. خلاصه استدلال شعبه مزبور آن است که اولاً: ماده ۱۷ اساسنامه شرکت، هیأت مدیره را در انجام تمام یا قسمتی از اختیارات پیش‌بینی

شده در ماده ۱۶ اساسنامه که از جمله خرید و فروش و اجاره اموال شرکت اعم از منقول و غیرمنقول مجاز دانسته است. ثانیاً: فروشنده به عنوان سرپرست شرکت از سوی وزارت بازرگانی با اختیارات مصرح در ابلاغ مزبور انتخاب شده است. ثالثاً: حصر اختیارات مفوضه به امضای اسناد تعهدآور فاقد محمل قانونی است رابعاً: دلیلی بر این مطلب که انجام معامله جهت نقصان سرمایه شرکت صورت گرفته ارائه نشده و به‌علاوه مدرکی دال بر اینکه موضوع معامله جزء سرمایه شرکت است در پرونده وجود ندارد به‌خصوص که شرکت از نوع شرکت سهامی است که معمولاً وجوه نقدی سرمایه آن را تشکیل می‌دهد.

پرونده به شعبه بیست و هشتم دادگاه حقوقی یک تهران ارجاع و شعبه یادشده طی دادنامه شماره ۲۹۸ - ۲۹۷ مورخ ۷۳/۷/۹ با اصرار نسبت به رأی شعبه بیست و هشتم حقوقی یک تهران حکم بر بطلان دعوی اصلی و خلع ید خوانده دعوی تقابل از مایملک شرکت ماشین‌های راه‌سازی صادر و اعلام داشته است. استدلال دادگاه فوق آن است که اولاً: نظر به اینکه ماده ۱۸ اساسنامه شرکت، اسنادی را معتبر دانسته که علاوه بر داشتن یک یا دو امضا مههور به مهر شرکت باشد و اثری از مهر شرکت در قرارداد مورد بحث نیست. ثانیاً: شخصی که به عنوان سرپرست تعیین شده دارای اختیارات مفوض به مدیرعامل است و طبق ماده ۸۶ اساسنامه فروش اموال غیرمنقول از اختیارات هیأت مدیره است که می‌تواند آن‌را به مدیرعامل تفویض کند و در مانحن‌فیه چنین اختیاری به شخص فوق‌الذکر داده نشده است. شرکت طریق‌القدس از دادنامه موصوف تجدیدنظر خواسته و در نهایت پرونده با توجه به اختلاف دو شعبه مذکور در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح می‌شود.

هیأت فوق پس از ختم مذاکرات با اکثریت قاطع و به موجب رأی اصراری شماره ۲۲ مورخ ۱۳۷۴/۷/۱۱ معتقد است اعتراضات وکیل شرکت تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه صادره از شعبه بیست و هشتم دادگاه حقوقی یک تهران وارد است. دلایل هیأت عمومی به شرح زیر است:

۱. به موجب مندرجات اسناد عادی و به‌ویژه نامه شماره ۱۰/۰۰۶۱ - ۶۶/۱۱/۲۶ شرکت ماشین‌های راه‌سازی که با امضاهای دارندگان حق امضا در شرکت مذکور صادر

گردیده، وقوع معامله فی مابین طرفین محرز است.
 ۲. با توجه به ملاک ماده ۱۳۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت^۱ و مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ همان قانون، اقدام مدیرعامل به انجام معامله در مقابل خواهان دعوی اصلی معتبر است.
 ۳. دادنامه تجدیدنظر خواسته با اوراق و مدارک مضبوط در پرونده و الزامات قانونی ناشی از عقد بیع مخالفت دارد.

در نهایت هیأت فوق رأی صادره از دادگاه یادشده را نقض و پرونده را جهت رسیدگی به یکی از شعب دادگاه عمومی تهران ارجاع می‌دهد.^۲
 همان‌طور که ملاحظه شد، هیأت عمومی دیوان عالی کشور بر خلاف نظر دادگاهها معتقد است تحدید اختیارات مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث تأثیری ندارد. البته لازم به ذکر است که استدلال مذکور در رأی صادره از شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی یک تهران به نظر مخدوش است، زیرا، اولاً: امضا اسناد تعهدآور معمولاً در پی انعقاد قراردادهای شرکت صادر می‌شود. ثانیاً: فروش و انجام قرارداد ارتباطی به افزایش یا کاهش سرمایه که مستلزم دخالت مجمع عمومی فوق العاده باشد، ندارد.

گفتار دوم: نظریه تأثیر اقدامات خارج از حدود اختیار مدیران نسبت به اشخاص ثالث

بر خلاف آراء فوق که عموماً اقدامات خارج از حدود اختیار مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث را بی‌تأثیر می‌دانند، بعضی از آراء صادره حاکی از عدم پذیرش نظر فوق است. به دو رأی در این ارتباط اشاره می‌شود.

در پرونده شرکت طریق‌القدس علیه شرکت ماشین‌های راه‌سازی، همان‌گونه که قبلاً ملاحظه شد، اعتقاد شعبه ۲۸ دادگاه حقوقی یک تهران آن است که مدیرعامل

۱. ماده ۱۳۰ - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذی‌نفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارات وارده معامله به شرکت می‌باشند.

۲. معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های تجدیدنظر استان (حقوقی) (انتشارات جنگل، ۱۳۸۷) ج ۲، چ اول، ص ۱۶۴.

صرفاً نمایندگی در انجام معاملاتی را دارد که اولاً: توسط هیأت مدیره به وی تفویض شده ثانیاً: عدم رعایت محدودیت‌های مقرر در اساسنامه مثل مهمور بودن به مهر شرکت در معاملات، شرکت را متعهد نمی‌سازد.

در پرونده دیگر، خواهان شرکت در حال تصفیه علیه خوانده شرکت کشاورزی ... سهامی خاص دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ پانصد هزار ریال وجه یک برگ سفته مطرح نموده است. پرونده به شعبه ۱۳ دادگاه حقوقی یک تهران ارجاع و وکیل خوانده اظهار داشته طبق ماده ۱۹ اساسنامه که برای عموم در روزنامه رسمی آگهی شده، شرکت نامه‌ها و اسنادی که برای شرکت تعهدآور است باید به امضا مدیرعامل و یکی دیگر از مدیران متفقاً رسیده باشد والا برای شرکت تعهدآور نخواهد بود و سفته مستند دعوی فقط دارای یک امضا است و از این رو، علیه شرکت موکل سندیت ندارد و مقررات ماده ۱۳۵ قانون تجارت ارتباطی به موضوع ندارد و صدور حکم به رد دعوی خواهان را خواستار شده است. شعبه مذکور به موجب دادنامه شماره ۲۳۹ مورخ ۶۵/۶/۹ حکم به رد دعوی خواهان صادر نموده است. استدلال دادگاه آن است که سفته به حواله کرد آقای ب. صادر و سپس مشارالیه با امضای ظهر سفته آن را به شرکت خواهان واگذار نموده و با انتقال ذمه خوانده به آقای ب. طرح دعوی علیه شرکت خوانده و جاهت شرعی نداشته است. پرونده به شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور ارجاع و شعبه یادشده به موجب دادنامه شماره ۱۹/۲۳۳۷ مورخ ۶۵/۱۰/۲۰ مورخ ۶۵/۱۰/۲۰ با لحاظ مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ قانون تجارت دادنامه بدوی را نقض و رسیدگی مجدد را به شعبه دیگر دادگاه حقوقی یک تهران ارجاع نموده است. شعبه ۱۶ دادگاه حقوقی یک تهران به موجب دادنامه شماره ۴۵۶ مورخ ۶۵/۱۱/۶ مستنداً به مواد ۲۴۹ و ۳۱۹ و ۱۳۵ قانون تجارت خواهان را در دعوی مطروحه محق تشخیص و رأی به پرداخت مبلغ خواسته صادر نموده است. با تجدیدنظر خواهی محکوم‌علیه پرونده در نهایت به شعبه ۱۹ دیوان عالی ارجاع گردیده است. شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۱۹/۱۶۶۴ مورخ ۶۷/۱۱/۱۶، دادنامه تجدیدنظر خواسته با توجه به دلایل زیر نقض و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه حقوقی یک تهران ارجاع می‌شود^۱:

۱. یدالله بازگیر، موازین حقوق تجارت (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸) چ اول، ص ۱۴۶.

۱. عدم ارتباط ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت^۱ به دعوی حاضر زیرا، ماده یادشده ناظر به عدم رعایت تشریفات قانونی راجع به طرز انتخاب مدیران است که در مانحن‌فیه محل ایراد نبوده است.
۲. عدم ارتباط ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت^۲ به مدیرعامل، زیرا، ماده یادشده راجع به مدیران شرکت است.
۳. مشخص نبودن حدود اختیارات مدیرعامل شرکت و لزوم بررسی وضع مدیریت شرکت، زیرا، طبق ماده ۱۲۵ اصلاحی قانون تجارت^۳ وی در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده نماینده شرکت است. مشابه همین استدلال توسط بعضی از حقوق‌دانان ابراز گردیده است.^۴

مبحث دوم: مقررات پیشنهادی در لایحه تجارت

مقررات مندرج در لایحه تجارت از جهاتی تقریباً مشابه مقررات مندرج در لایحه اصلاحی قانون تجارت است. برای مثال مقررات مندرج در مواد ۵۲۰۹، ۲۴۳^۶ و ۲۰۸^۱

۱. ماده ۱۲۵ - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیرمعتبر دانست.
۲. ماده ۱۱۸ - جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم‌یکن است.
۳. ماده ۱۲۵ - مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.
۴. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها چاپ و نشر لیلی، ۱۳۷۷) ج ۲، چ اول، ص ۱۶۸.
۵. ماده ۲۰۹ - عدم رعایت تشریفات مربوط به نحوه انتخاب مدیر یا مدیران یا ممنوع بودن آنان از تصدی سمت مذکور سبب عدم اعتبار تصمیمات آنان در مقابل اشخاص ثالث نیست.
۶. ماده ۲۴۳ - تصمیمات، اعمال و اقدامات مدیر عاملی که بر خلاف تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل یا علی‌رغم ممنوعیت وی از تصدی سمت مدیریت عامل انتخاب گردد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

لایحه فوق مشابه مقررات مندرج در مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه اصلاحی فوق است. تنها تفاوت عمده لایحه مزبور با لایحه اصلاحی قانون تجارت آن است که سعی کرده است نقطه مبهم لایحه اصلاحی قانون تجارت را در مورد اقدامات خارج از حدود اختیار مدیرعامل روشن‌تر ساخته و ابهامات آن را رفع کند. ماده ۲۴۱ لایحه تجارت در این مورد چنین مقرر می‌دارد:

"ماده ۲۴۱- مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌شود و انجام کلیه امور شرکت و اقامه دعوی و دفاع از دعاوی اقامه شده علیه شرکت را بر عهده دارد. درج امضا او تحت اسناد تعهدآور شرکت، موجب تعهد شرکت می‌گردد و تحدید اختیارات او به موجب اساسنامه، تصمیمات مجمع عمومی و یا مدیران تنها در روابط بین مدیرعامل و شرکت، معتبر و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه به حدود اختیارات مدیرعامل بی اثر است. قائم مقام مدیرعامل در حدود موضوع اختیارات تفویض شده، اختیارات مدیرعامل را دارد."

در این ماده، قانون‌گذار به صراحت تحدید اختیارات مدیرعامل به موجب اساسنامه در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه را بی اثر دانسته است، در حالی که در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت صرفاً از لفظ مدیران استفاده کرده است.

بنابراین، از این جهت لایحه فوق قدم مثبتی برداشته است، زیرا، کلیه اعمال حقوقی شرکت‌ها توسط مدیرعامل اتخاذ می‌شود و هیأت مدیره و سایر مدیران علی‌الاصول مبادرت به انجام معامله با اشخاص ثالث نمی‌کنند.

۱. ماده ۲۰۸- مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدود کردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجمع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

فصل سوم: مقایسه حقوق ایران و سایر کشورها

در این فصل، ابتدا مقررات حاکم بر بعضی از کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو و حقوق نوشته با حقوق ایران مورد تطبیق قرار می‌گیرد تا بهتر بتوان از راه حل‌های ارائه‌شده توسط این نظام‌ها بهره برد.

مبحث اول: مقایسه حقوق ایران و مقررات مندرج در نظام کامن‌لو

همان‌طور که ملاحظه شد، در نظام کامن‌لو بر اساس قاعده تجاوز از حدود اختیار، چنانچه اختیارات مدیران در اساسنامه محدود گردد و مدیران شرکت برخلاف آن قراردادی منعقد نمایند، قرارداد منعقد شده از نظر دادگاه‌ها باطل یا غیرقابل اجرا تلقی می‌گردد و حتی قابلیت تنفیذ هم ندارد. این قاعده هر چند بعدها توسط دادگاه‌ها تعدیل شد، ولی مبنای قاعده فوق حمایت از سهام‌داران و فرض اطلاع اشخاص ثالث از اساسنامه شرکت‌ها و محتویات آن است، زیرا، اساسنامه شرکت‌ها به اطلاع عموم مردم می‌رسد.

در حقوق ایران، اصل حمایت از سهام‌داران در قوانین و مقررات مشاهده نمی‌شود و قانون‌گذار بیشتر حمایت از اشخاص ثالث را مطمح نظر قرار می‌دهد.^۱ اما در ارتباط با فرض اطلاع اشخاص از اختیارات مدیرعامل ممکن است گفته شود این امر را می‌توان از ماده ۱۲۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت^۲ استنباط نمود. ماده فوق شرکت را موظف نموده که حدود اختیارات مدیرعامل را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. آگهی حدود اختیارات مدیرعامل در روزنامه رسمی، به منزله آگاهی عموم جامعه از این‌گونه محدودیت‌ها می‌باشد. لکن در ماده یادشده در مورد ضمانت اجرای فرض اطلاع اشخاص ثالث از این‌گونه محدودیت‌ها ساکت است. در هر حال، چنانچه قائل به عدم صحت قراردادهای

۱. برای مثال، نگاه کنید به: مواد ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۵ و ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

۲. ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

منعده توسط مدیرعامل باشیم، برخلاف نظام کامن‌لو چنین قراردادهایی فضولی بوده و حسب مورد قابل تنفیذ از جانب هیأت مدیره یا شرکت است.

مبحث دوم: مقایسه حقوق ایران و حقوق سایر کشورها

در حقوق انگلیس با توجه به قانون شرکت‌ها، مصوب ۲۰۰۶ سه مقرر مهم در ارتباط با اقدامات خارج از اختیار مدیران به شرح زیر دارد:

۱. اهلیت کامل شرکت و عدم تأثیر محدودیت‌های مقرر در اساسنامه

شرکت در این نظام حقوقی دارای اهلیت کامل است و حتی درج موضوع شرکت در اساسنامه اختیاری است و از لحاظ اشخاص ثالث، هیأت مدیره و هر یک از مدیران شرکت دارای اختیار نامحدود هستند و شخص ثالث ملزم به بررسی و تحقیق در مورد حدود اختیارات مدیران شرکت نبوده و با حسن نیت فرض می‌شود.

۲. حق سهام‌دار در جلوگیری از معاملات خارج از حدود اختیار مدیران

هر یک از سهام‌داران بر اساس دعوی مشتق می‌تواند قبل از انعقاد قرارداد توسط مدیران، از اقدامات خارج از حدود اختیارات آنان از طریق دادگاه جلوگیری و مانع انعقاد قرارداد شود.

۳. مسئولیت مدیران در صورت تخطی حدود اختیارات

مدیران شرکت در حدودی که در اساسنامه قید شده اختیار دارند^۱ و قصور در این امر نقض تعهد آنان بوده و موجب مسئولیت آنان است.^۲ بنابراین، چنانچه مدیران شرکت از این وظیفه تخطی نموده و اقدام به اعمالی نمایند که خارج از حدود اختیارات آنان است، مسئول خسارات وارده هستند؛ هرچند شرکت نمی‌تواند اقدامات خارج از حدود اختیارات آنان نسبت به اشخاص ثالث را بی‌اعتبار اعلام کند.

1. 171 Duty to act within powers.

A director of a company must—

(a) act in accordance with the company's constitution, and

(b) only exercise powers for the purposes for which they are conferred.

2. **Company law**, Brenda Hannigan, third ed., Oxford University Press, Great Britain, p 167.

در حقوق آمریکا، اکثر ایالات از قانون نمونه شرکت‌های تجاری ایالتی که مقررات پیشنهادی کانون وکلای این کشور است، تبعیت می‌کنند. مقررات مندرج در این قانون نمونه تقریباً مشابه مقررات حقوق انگلیس می‌باشد؛ به این معنی که اولاً: هر شخص که از جانب شرکت اختیار داشته و عملی را انجام دهد، شرکت ملزم به آن خواهد بود؛ حتی اگر شرکت برای مبادرت به آن عمل فاقد اختیار باشد. ثانیاً: سهام‌داران شرکت می‌توانند از دادگاه تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری مدیران از اقدامات خارج از اختیارات نمایند. علاوه بر آن، دادستان کل ایالتی نیز می‌تواند با اقامه دعوی جلوی این‌گونه اقدامات شرکت را بگیرد یا تقاضای انحلال شرکت را بکند. ثالثاً: سهام‌داران از جانب شرکت می‌توانند از مدیران شرکت تقاضای خسارات وارده را نمایند.

همان‌طور که ملاحظه گردید، مقررات حقوق آمریکا و انگلیس مشابه یکدیگر می‌باشد، الا اینکه علاوه بر سهام‌داران، دادستان کل ایالتی نیز می‌تواند با اقامه دعوی در دادگاه جلوی اقدامات خارج از حدود اختیارات مدیران را بگیرد یا انحلال شرکت را تقاضا کند.

مطالعه حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا نشان می‌دهد تحدید اختیارات مدیران ضمانت اجرایی برای بطلان معاملات خارج از حدود اختیارات آنان با اشخاص ثالث نیست، بلکه ضمانت اجرای آن اولاً: مسئولیت آنان در قبال شرکت است، ثانیاً: اجازه به سهام‌داران برای درخواست منع از انعقاد معاملات خارج از حدود اختیار مدیران از طریق دادگاه می‌باشد.

در حقوق کشورهای حقوق‌نویسته، به‌ویژه حقوق فرانسه، نیز محدود کردن اختیار نمایندگان شرکت‌های سهامی تأثیری در متعهد کردن شرکت ندارد و شرکت در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت مسئول اقدامات خارج از حدود اختیار نمایندگان شرکت می‌باشد.

با توجه به مراتب فوق، در حقوق ایران، در خصوص وضعیت قراردادهای در صورت خروج مدیران از حدود اختیارات رویه قضایی و دکترین اختلاف نظر دارند. بعضی معتقدند با توجه به سکوت قانون‌گذار در خصوص قراردادهای خارج از حدود

اختیارات مدیرعامل در قانون باید به قواعد کلی مراجعه و در نتیجه، معاملات مدیرعامل صحیح نیست. با قبول این نظر، مقررات حقوق کشور ما تا حدودی مشابه مقررات کامن‌لو است.

برعکس، بعضی معتقدند علت تحدید حدود اختیار مدیرعامل صرفاً جهت مسئولیت وی در قبال شرکت در صورت تخطی از حدود اختیارات است و از اطلاق مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ و ملاک ۱۳۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت استفاده نموده و معتقد به صحت این معاملات هستند. با قبول این نظر، مقررات کشور ما با حقوق جاری کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لو و حقوق‌نویسته تا حدود زیادی سازگاری دارد. البته با تصویب لایحه تجارت اختلاف موجود برطرف خواهد شد.

به نظر می‌رسد نظریه مبتنی بر صحت این‌گونه معاملات به صواب نزدیک‌تر است، زیرا، اولاً: در تفسیر قانون نباید به تفسیر ادبی و لفظی بسنده کرد. بنابراین، لفظ مدیران در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت را نباید فقط به اعضای هیأت مدیره محدود کنیم. چه اعضای هیأت مدیره اصولاً ارتباطی با اشخاص ثالث ندارند و قراردادها و سایر اعمال شرکت با مدیرعامل که نماینده شرکت است انجام می‌پذیرد. ثانیاً: با توجه به مواد مختلف لایحه اصلاحی قانون تجارت و سایر مقررات می‌توان به این نتیجه رسید که هدف قانون‌گذار حمایت از اشخاص ثالث است و قصد قانون‌گذار آن است که تحت هر شرایطی از اشخاص ثالث حمایت نماید. برای مثال، قانون‌گذار در ماده ۷ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها، مصوب ۱۳۱۰ عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده تا زمانی که تغییرات راجع به آن به اداره ثبت اسناد اطلاع داده نشود، عملیات شرکت تلقی می‌کند.^۱ همچنین، هدف و قصد قانون‌گذار را می‌توان از معتبر بودن اقدامات مدیرعامل علی‌رغم عدم رعایت مقررات قانونی در انتصاب مدیرعامل^۲ یا مبادرت به انعقاد معاملات ممنوع^۱ در لایحه

۱. ماده هفتم - تغییرات راجع به نمایندگان شرکت یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتبا اطلاع داده شود تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر اینکه شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.
۲. مانند مواد ۱۲۶ و ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

اصلاحی قانون تجارت استنباط نمود. به عبارت دیگر، همان‌گونه که در استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور (اصراری) ملاحظه گردید، علی‌رغم اینکه معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت^۲ ممنوع است، قانون‌گذار انعقاد چنین معاملاتی را در مقابل اشخاص ثالث معتبر می‌داند. این امر نشانگر آن است که ممنوعیت مذکور در این ماده خصوصیتی ندارد و هر معامله‌ای که مدیرعامل به آن مبادرت ورزد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است. بنابراین، وقتی محدودیت قانونی مدیرعامل در انجام معامله و حتی عزل و برکناری وی قبل از اطلاع به ثبت، تأثیری نسبت به اشخاص ثالث ندارد، محدودیت عارضی که به موجب اساسنامه شرکت ایجاد گردیده به طریق اولی تأثیری نسبت به اشخاص ثالث ندارد.^۳ همچنین، صدر ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت عام است و شامل هر عمل و اقدامی می‌شود که مدیرعامل انجام داده است ولو اینکه اقدام مدیرعامل خارج از حدود اختیارات او باشد^۴ و قسمت ذیل آن که به عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل اشاره کرده از باب تمثیل است.

ثالثاً، وقتی بر اساس ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون فوق محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم‌یکن است، به طریق اولی محدود کردن اختیارات مدیرعامل که توسط

۱. ماده ۱۳۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت ناظر به ماده ۱۲۹ همان قانون و ماده ۲۷۰ آن لایحه.

۲. ماده ۱۲۹ - اعضا هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهمی شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل ذی‌نفع در معامله در جلسه هیأت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت.

۳. رأی شماره ۲۲ مورخ ۱۳۷۴/۷/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (اصراری) نیز همان‌گونه که قبلاً بیان شد، مؤید این نظر می‌باشد.

۴. حسن ستوده، حقوق تجارت (نشر دادگستر، ۱۳۷۵) ج ۲، چ اول، ص ۱۸۶.

همان مدیران تعیین گردیده، در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است. از طرفی، در خصوص معاملات شرکت نمی‌توان قائل به تفکیک شد و معتقد باشیم معامله‌ای که مدیران شرکت با اشخاص ثالث منعقد می‌کنند شرکت را متعهد و معامله شخصی که از طرف آنان تعیین گردیده، صحیح نبوده و شرکت متعهد به آن نمی‌گردد؛ به‌ویژه اینکه هیأت مدیره یا اعضای آن علی‌الاصول ارتباطی با اشخاص ثالث ندارند.

رابعاً: ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی قانون فوق در مقام بیان حدود نمایندگی مدیرعامل و مسئولیت او در صورت تخطی از آن حدود است و نه صحت و بطلان اقدامات او در مقابل اشخاص ثالث، همان‌گونه که در سایر کشورها نیز چنین ضمانت اجرایی را پیش‌بینی کرده‌اند. در واقع، همان‌گونه که مجمع عمومی شرکت نمی‌تواند با درج شروط محدودکننده اختیارات مدیران شرکت را در مقابل اشخاص ثالث محدود کند، مدیران هم نمی‌توانند با درج شروطی اختیارات مدیرعامل را محدود کنند. این شروط در مقابل اشخاص ثالث باطل بوده و اثری بر آن مترتب نیست.

بنابراین، اثر تحدید اختیارات مدیرعامل، مانند حقوق سایر کشورها، آن است که در صورت تخطی وی از حدود اختیارات در مقابل شرکت، اشخاص ثالث^۱ و سهام‌داران که از جانب شرکت حق اقامه دعوی دارند،^۲ مسئول است.

در ارتباط با أخذ دستور موقت از دادگاه جهت جلوگیری از انعقاد قراردادهایی که مدیرعامل فاقد اختیار لازم است، قانون ایران ساکت است. به نظر می‌رسد سهام‌داران و به طریق اولی دادستان چنین اختیاری نداشته باشند، لکن هیأت مدیره قبل از انعقاد قرارداد می‌تواند مدیرعامل را عزل کند.

فصل چهارم: اشکالات شکلی رأی دادگاه و ضعف در مبانی و مستندات آن

رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه عمومی تهران که موضوع اصلی این مقاله است، دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشد. نقطه قوت آن این است که دادگاه سعی کرده

۱. ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

۲. ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

است با استناد به مواد قانونی و بیان استدلالات خواسته خواهان را وارد تشخیص و از حیث نتیجه به نظر رأی صادره صحیح است. اما اشکالات و ابهاماتی از حیث شکلی و ماهوی بر آن وارد است. در این قسمت ابتدا اشکالات شکلی رأی مطرح و سپس استدلالات و مستندات مربوط به ماهیت امر تشریح و مورد نقد قرار می‌گیرد.

مبحث اول: اشکالات و ابهامات شکلی

صرف‌نظر از خطاهای تاییبی در رأی صادره، اشکالات و ابهامات زیر از لحاظ شکلی در رأی صادره مشاهده می‌شود.

گفتار اول: عدم تنظیم گردش کار مناسب و تبیین محل نزاع

رأی صادره فاقد یک گردشکار مناسب است. به این معنی که موضوع دعوی و مستندات خواهان روشن نیست. به عبارت دیگر، مشخص نیست مستند خواهان در مطالبه وجه چه بوده است. آیا سند تجاری بوده یا غیر آن. همچنین مشخص نیست دلایل اثباتی که خواهان بر مبنای آن محکومیت خوانده را درخواست کرده چه بوده است؟

گفتار دوم: عدم تبیین دقیق تخلف مدیرعامل

نکته دیگر اینکه، اولاً: دادگاه مشخص نکرده محدودیت مقرر در اساسنامه چه بوده و مدیرعامل در چه موردی از مقررات اساسنامه تخلف کرده و خارج از حدود اختیارش عمل کرده است. ثانیاً: تخلف مدیر را مبتنی بر فرض تخلف مدیرعامل استوار کرده و دقیقاً مشخص نیست مدیرعامل در نظر دادگاه از مفاد اساسنامه تخلف کرده یا خیر؟ در قسمتی از رأی صادره آمده است:

" در مانحن‌فیه بر فرض که مدیرعامل مقررات قانونی راجع به شرکت را رعایت نکرده باشد در حقیقت نوعی قصور و تخلف و عدم رعایت غبطه شرکت از جانب مدیر امضاکننده است که حداکثر می‌تواند ملاک مؤاخذة و مطالبه خسارت در رابطه با مدیران و شرکت باشد و تأثیری در حقوق دارنده مستند ابرازی نخواهد داشت؛ به‌خصوص که عرفاً و معمولاً معامله‌کنندگان با شرکت اساسنامه و صورت‌جلسات هیأت مدیره و مجامع عمومی شرکت را نمی‌بینند و سرعت و سهولت در روابط تجاری اقتضا دارد که اصل را بر صحت گذاشته و به مدیران

معرفی شده اعتماد کنند. بنابراین، عدم رعایت شرایط اساسنامه از طرف مدیر یا مدیران امضاکننده صرفاً ملاک تخلف آنان در قبال شرکت است والا در قبال اعمال مدیران این اشخاص ثالث هستند که می‌بایست این موضوع را تحمل کنند."

آنچه از مفاد این قسمت از رأی برمی‌آید آن است که دادگاه رأی خود را بر پایه مفروضات بنا نهاده و بدون احراز تخلف مدیرعامل از مقررات اساسنامه و بدون ذکر اینکه در صورت احراز تخلف از کدام یک از مواد مقرر در اساسنامه تخلف شده، مبادرت به صدور رأی نموده است.

مبحث دوم: ضعف در مبانی و مستندات

اشکالات و ابهامات رأی دادگاه در ماهیت را می‌توان در دو بخش خلاصه نمود؛ یکی عدم توجیه مناسب در استناد به مواد قانونی و دیگری ضعف در مبانی و عدم استدلال دقیق است که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم.

گفتار اول: مواد قانونی مورد استناد و نقد آنها

اعتقاد دادگاه در رأی صادره آن است که عدم رعایت شرایط مقرر در اساسنامه توسط مدیرعامل تأثیری در مقابل اشخاص ثالث ندارد و با امضای مدیرعامل شرکت متعهد می‌گردد. استدلال دادگاه در رأی صادره به این ترتیب است که ابتدا به عام بودن اختیارات مدیرعامل بر اساس ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت اشاره نموده است. سپس برای نمایندگی و داشتن حق امضای وی به ماده ۱۲۵ لایحه فوق و در نهایت برای عدم تأثیر محدود کردن اختیارات وی به ماده ۱۳۵ لایحه مذکور اشاره نموده است، در اینجا به بررسی و تدقیق هر یک از استدلال‌ات دادگاه می‌پردازیم.

بند اول: عام بودن اختیارات مدیران شرکت

دادگاه در استناد به ماده ۱۱۸ چنین بیان می‌کند:

"مطابق ماده ۱۱۸ از قانون تجارت جزء درباره موضوعاتی که

به موجب مقررات این قانون أخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در

صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است."

به نظر می‌رسد استدلال دادگاه در استناد به این ماده تمام نیست، زیرا، هرچند قانون‌گذار در ماده فوق اختیارات عامی به مدیران داده است لکن در این ماده بر خلاف ماده ۱۳۵ قانون تجارت فقط به مدیران اشاره کرده و راجع به مدیرعامل سکوت اختیار کرده است. بنابراین، استناد به این ماده بدون توجه به نکته فوق قابل نقد است. همان‌طور که شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور در پرونده شرکت در حال تصفیه علیه شرکت کشاورزی سهامی خاص نیز بر این عقیده است که ماده فوق در این مورد قابل استناد نیست.

بند دوم: نمایندگی مدیرعامل شرکت و داشتن حق امضا

دادگاه در استدلال به ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت چنین بیان می‌کند:

" برابر ماده ۱۲۵ از همان قانون مدیرعامل شرکت نماینده شرکت محسوب و حق امضا دارد."

همان‌طور که ملاحظه می‌شود دادگاه در نمایندگی مدیرعامل شرکت و داشتن حق امضا به ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت استناد کرده است، در حالی که طبق ماده فوق اختیارات مدیرعامل شرکت اطلاق ندارد بلکه وی در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد. بنابراین، ماده فوق علی‌الاطلاق قابلیت استناد ندارد. به این لحاظ، بعضی از مؤلفین^۱ و دادگاه‌ها معتقدند شمولی بر مدیرعامل ندارد.

۱. محمدرضا پاسبان، حقوق شرکت‌های تجاری (قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ گل‌ها، ۱۳۸۹) چ پنجم، ص ۲۱۰.

بند سوم: عدم تأثیر محدود کردن اختیارات مدیران

استدلال دادگاه در استناد به ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت به شرح زیر بیان شده است:

" به صراحت ماده ۱۳۵ همین قانون کلیه اقدامات و اعمال مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست."

در مورد استناد دادگاه به ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت باید گفت در این مورد با توجه به جمله اخیر ماده فوق، بین قضات و حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. آقای دکتر اسکینی در این مورد چنین بیان می‌کند:

" بعضی معتقدند مدیرعامل شرکت سهامی، مانند اعضای هیأت مدیره، در مقابل اشخاص ثالث برای عملیاتی که انجام می‌دهند مختار است؛ یعنی اختیارات او را نیز نمی‌توان محدود کرد. مبنای این نظر ماده ۱۳۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ است که به موجب آن: "کلی اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست." البته، این نظر صحیح نیست؛ زیرا، ماده ۱۳۵ در مقام بیان اصل مختار بودن مدیرعامل نیست، بلکه این نکته را بیان می‌کند که اعمال مدیرعامل را نمی‌توان به سبب نقص در ترتیب انتخاب او غیر معتبر تلقی کرد."

همچنین، همان‌طور که ملاحظه شد، شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور در پرونده شرکت در حال تصفیه علیه شرکت کشاورزی سهامی خاص نیز معتقد است ماده فوق در این مورد قابل استناد نیست، زیرا، ماده یادشده مربوط به عدم رعایت نحوه انتخاب مدیران و مدیرعامل است.

گفتار دوم: ضعف در مبانی و عدم استدلال دقیق

دادگاه علاوه بر استناد به مواد قانونی، دو استدلال عمده به شرح زیر برای توجیه نظریه و رأی خود ابراز داشته است.

بند اول: عدم لزوم بررسی اساسنامه و صورت‌جلسات مجامع عمومی توسط

اشخاص ثالث

در این ارتباط، استدلال دادگاه آن است که اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت الزامی به بررسی اساسنامه و صورت‌جلسه مجامع عمومی ندارند و اصل صحت اقدام مدیر است و ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات مندرج در اساسنامه موجب مسئولیت مدیران است. دادگاه در قسمتی از رأی صادره چنین بیان می‌کند:

"به‌خصوص که عرفاً و معمولاً معامله‌کنندگان با شرکت اساسنامه و صورت‌جلسات هیأت مدیره و مجامع عمومی شرکت را نمی‌بینند و سرعت و سهولت در روابط تجاری اقتضا دارد که اصل را بر صحت گذاشته و به مدیران معرفی‌شده اعتماد کنند. بنابراین، عدم رعایت شرایط اساسنامه از طرف مدیر یا مدیران امضاکنده صرفاً ملاک تخلف آنان در قبال شرکت است والا در قبال اعمال مدیران این اشخاص ثالث هستند که می‌بایست این موضوع را تحمل کنند."

دادگاه در این مورد به عرف معامله‌کنندگان با شرکت مبنی بر عدم رؤیت محدودیت‌های در اساسنامه و غیره اشاره کرده و اصل را بر صحت اقدام مدیر می‌داند. به نظر می‌رسد استدلال فوق با ضعف روبه‌رو است، زیرا، اولاً: با تکلیف قانونی^۱ مبنی بر آگاهی حدود اختیارات مدیرعامل در روزنامه رسمی می‌توان گفت پس از آگاهی در روزنامه رسمی، فرض بر این است که اشخاص ثالث از آن محدودیت‌ها مطلع هستند. ثانیاً: وقتی شخصی خارج از حدود اختیار تفویضی عمل کند، نمی‌توان اصل صحت را جاری نمود.

۱. ماده ۱۲۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت در این مورد چنین مقرر می‌دارد: "نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت‌جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود."

بند دوم: اقتضا اصل حسن نیت

استدلال دوم دادگاه در این ارتباط اقتضا اصل حسن نیت در روابط بین طرفین است. دادگاه در این ارتباط چنین بیان می‌کند:

" یک شخصیت حقوقی وقتی با دیگران وارد معامله شود خود باید معامله را از جهت مقررات شرکت مراقبت نماید و نمی‌تواند تا وقتی که قرارداد را قبول دارد امضات آن را مؤثر بداند و هنگامی که از اجرای قرارداد منصرف شد امضات را غیرمؤثر و اقدامات انجام‌شده را باطل بداند زیرا، این امر بر خلاف حسن نیت است که مبنای رابطه حقوقی طرفین است."

در این قسمت دادگاه حق رد یا تنفیذ قرارداد توسط شرکت تجاری را مسلم گرفته و بر مبنای آن معتقد است شرکت تجاری نمی‌تواند آنجا که به نفع او است قرارداد را تنفیذ و آنجا که به ضرر او است آن را رد کند و این برخلاف حسن نیت است. در حالی که وضعیت قرارداد از حیث صحت و بطلان و یا عدم نفوذ، امری حکمی است و وظیفه دادگاه است که با توجه به ادله و مستندات قانونی وضعیت آن را مشخص کند. بنابراین، اعمال اصل حسن نیت در مانحن‌فیه فرع بر قبول غیرنافذ بودن قرارداد است و چنین امری مسلم نیست.

همان‌طور که ملاحظه شد، رأی صادره هرچند از حیث نتیجه می‌تواند صحیح باشد، لکن از حیث استدلالات ارائه‌شده دارای مبانی قوی نیست و لازم بود دادگاه به اشکالاتی که در استناد به هر یک از مواد استنادی وجود دارد، توجه می‌نمود.

نتیجه‌گیری

اکثر نظام‌های حقوقی، در ابتدا به لحاظ لزوم حمایت از سهام‌داران، طلبکاران و اصل اطلاع اشخاص از محدودیت‌های مقرر در اساسنامه شرکت‌ها با توجه به انتشار آنها، معاملات و قراردادهای مدیران شرکت خارج از حدود اختیار را باطل و بعضاً غیر قابل تنفیذ می‌دانستند. به تدریج به لحاظ مشکلات عملی ایجادشده، حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت مورد توجه و عنایت قرار گرفت و در نتیجه بر اساس مقررات کنونی نظام‌های فوق، شرکت‌های تجاری نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به محدودیت‌های مقرر در اساسنامه استناد نمایند. در حقوق ایران، ابهامات موجود در مواد قانونی باعث اختلاف نظر حقوق‌دانان گردیده و دادگاه‌ها نیز رویه واحدی ندارند. رأی صادره از دادگاه که در این مقاله مورد کنکاش قرار گرفت، هرچند از حیث نتیجه منطبق با استانداردهای جهانی است، لکن از حیث رعایت مقررات شکلی و نحوه استدلال و مبانی آن دارای اشکالاتی است که مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ و نشر لیلی، ۱۳۷۷) ج ۲، چ اول.
۲. بازگیر، یدالله، منتخب آراء حقوقی محاکم در سه دهه ۵۰، ۶۰، ۷۰ (انتشارات بازگیر، ۱۳۸۲) چ اول.
۳. بازگیر، یدالله، موازین حقوق تجارت (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸) چ اول.
۴. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ گلها(قم)، ۱۳۸۹) چ پنجم.
۵. ستوده، حسن، حقوق تجارت (نشر دادگستر، ۱۳۷۵) ج ۲، چ اول.
۶. کامیار، محمدرضا، گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی (نشر حقوق دانان، ۱۳۷۶) مجموعه سوم، چ اول.
۷. معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی (انتشارات جنگل، ۱۳۸۷) ج ۷، چ اول.
۸. معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های تجدیدنظر استان (حقوقی) (انتشارات جنگل، ۱۳۸۷) ج ۲، چ اول.

ب) لاتین

9. Dignam Alan & Hicks Andrew, Hicks & Goo's Cases and Materials on Company Law, Oxford University Press, New York, US, 2011.
10. American Bar Association, Model Business Corporation Act annotated: Model Business Corporation Act. American Bar Association. 4th ed., Vo.1, Committee on Corporate Laws, US, 2008.

11. Burrows Andrew, "Oxford Principles of English Law" English Private Law, third ed., Oxford University Press, UK, 2013.
12. Hannigan Brenda, Company law, third ed., Oxford University Press, Great Britain, 2012.
13. Brown, Donald J. & M. Waters, Daniel, Dissenter's rights and fundamental changes under the New Iowa Business Corporation Act, Drake Law Review, v.40, 1991.
14. Campbell Christian, International Liability of Corporate Directors [2007] I, Yorkhill Law Publishing, Salzburg Austria, 2007.
15. French Derek Mayson , Stephen & Ryan Christopher, Company law, 31st ed., Oxford University Press, UK., 2015.
16. Global Investment Center, France Company Laws and Regulations Handbook Volume 1,, International Business Publications, USA, 2012.
17. C Hirt Hans, The Enforcement of Directors' Duties in Britain and Germany: A Comparative Study with Particular Reference to Large Companies, Peter Lang AG, European Academic Publishers, Germany, 2004.
18. R. Macey Jonathan, Macey on Corporation Laws, Wolters Kluwer, New York, US, 2015.
19. K Mwenda Kenneth, Legal Aspects of Banking Regulation: Common Law Perspectives form Zambia, Pretoria University Press, South Africa, 2010.
20. U Drobnig K. Zweigert, International Encyclopedia of Comparative Law, V.XIII, Martinus Nijhoff Publishers, Boston, 2002.
21. Sealy Len and Worthington Sarah, Cases and Materials in Company, Oxford University Press, New York, US, 2008.
22. Wolff Lutz-Christian, The Disappearance of the Ultra Vires Doctrine in Greater China: Harmonized Legislative Action or (Simply) an Accident of History,

- Northwestern Journal of International Law & Business, Volume 23, Issue 3 Spring, Chicago, Illinois, 2003.
23. Wolff. Lutz-Christian, The Disappearance of the Ultra Vires Doctrine in Greater China: Harmonized Legislative Action or (Simply) an Accident of History, Northwestern Journal of International Law & Business, Volume 23, Issue 3 Spring, Chicago, Illinois, 2003.
 24. Gruson Michael, Legal Opinions in International Transactions, 4th ed., Kluwer Law International, Netherlands, 2003.
 25. Ottley Michael, Company law, 6th ed., Cavendish Publishing Limited, New York, 2009.
 26. Sterba Jr M John, Legal Opinion Letters A Comprehensive Guide to Opinion Letter Practice, third ed., Wolters Kluwer Law & Business, New York, US, 2014.
 27. Waqas Muhammad,” Applications of the Doctrine of Ultra Vires in Developed Countries and Developing Countries,” Journal of Applied Environmental and Biological Sciences, TextRoad Publication, 2014.
 28. Davies Paul, Introduction to company law, second ed., Oxford University press, New York, 2010.
 29. Miller Roger, Cengage Advantage Books: Business Law: Text and Cases - The First Course, Cengage Learning, USA, 2015.
 30. The American Bar Association, Model Business Corporation Act Official Text with Official Comment and Statutory Cross-Reference Revised through June 2005, Library on Congress Cataloging-in-Publication data, US, 2005.